

شناسایی و تحلیل عوامل مؤثر بر ارتقای حیات جمعی فضاهای عمومی شهری با تأکید بر عامل محصوریت و اجتماع پذیری

سعید محمدزاده بلالمی*، محسن قاسمی**، ملیحه نوروزی***، منصور نیکپور****

تاریخ دریافت مقاله:

۱۳۹۹/۰۷/۰۶

تاریخ پذیرش مقاله:

۱۴۰۰/۰۲/۱۴

چکیده

در ایران با توجه به تسلط حرکت سواره بر فضاهای شهری، روزبه‌روز از میزان مقیاس انسانی و ارزش‌های اجتماعی فضاهای شهری کاسته شده است. متأسفانه در بسیاری از شهرهای ایران، تلاش‌هایی در راستای انسان‌محور بودن فضاهای شهری صورت نمی‌گیرد که میدان مرکزی شهر بم نیز یکی از این فضاها می‌باشد، در پژوهش حاضر با توجه به اهمیت حیات جمعی در فضاهای عمومی شهری به‌عنوان یکی از عناصر اصلی شهر و عرصه همگانی، به شناسایی عوامل مؤثر در ارتقای حیات جمعی در فضاهای عمومی شهری با تأکید بر عامل محصوریت و تحلیل نقش و اهمیت هر یک از عوامل شناسایی شده در انجام و شکوفایی فعالیت‌های اجتماعی پرداخته شد. تحقیق حاضر به‌لحاظ ماهیت، توصیفی-تحلیلی و از نظر هدف کاربردی است، با استفاده از روش گروه خبرگان و نمونه‌گیری در دسترس، ۸۳ نفر مورد بررسی قرار گرفتند و مرحله تکمیل پرسش‌ها تا رسیدن به اشباع نظری ادامه داده شد. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار SPSS و روش‌های آماری تحلیل عاملی و مدل‌سنجش جذابیت استفاده شد. نتایج حاصل از یافته‌های تحقیق نشان داد که از مجموع ۳۵ معرف مستخرج از ادبیات تحقیق و مشورت با اساتید، ۳ عامل اصلی کالبدی-فضایی، فعالیتی-عملکردی و ادراکی-معنایی با ۲۹ معرف شناسایی شدند که با تأکید بر عامل محصوریت و اجتماع‌پذیری در ارتقای حیات جمعی فضاهای عمومی شهری نقش دارند. همچنین مشخص شد در صورتی که عوامل شناسایی شده در فضاهای عمومی شهری ایجاد یا احیا شوند، در ارتقای فعالیت‌های اجتماعی و اختیاری نقش مهمی دارند، ولی بر فعالیت‌های اجباری تأثیری ندارند. سخن آخر اینکه محصوریت فضا اصل بنیادین در طراحی معماری و فضای شهری به حساب می‌آید و فضا در واقع با محصوریت شروع می‌شود و رعایت عوامل شناسایی شده در مقاله‌ی حاضر می‌تواند فضاهای عمومی شهری را در پیوند با سایر اصول طراحی معماری برای افراد جامعه اجتماع‌پذیر نماید.

کلمات کلیدی: فضاهای عمومی شهری، محصوریت، اجتماع‌پذیری، تحلیل عاملی.

* دانشجوی دکتری معماری، واحد بم، دانشگاه آزاد اسلامی، بم، ایران. Bana434@yahoo.com

** استادیار گروه معماری، واحد بم، دانشگاه آزاد اسلامی، بم، ایران.

*** استادیار گروه معماری، واحد بم، دانشگاه آزاد اسلامی، بم، ایران.

**** استادیار گروه معماری، واحد بم، دانشگاه آزاد اسلامی، بم، ایران.

مقدمه

پیشرفت تکنولوژی با پیدایش وسایلی نظیر خودرو، تلویزیون، یخچال، تلفن، کامپیوتر و اینترنت سبب کاهش نیاز به حضور افراد در فضاهای شهری برای خرید، تفریح، کار و حتی تعاملات اجتماعی شده است (Hampton et al, 2015). به طوری که امروزه شاهد روند روبه رشد زندگی خصوصی هستیم. این در حالی است که زندگی جمعی می تواند باعث افزایش سرزندگی، سلامتی، امنیت و پایداری شهر شود (Gehl, 2010). برخلاف زندگی فردی که در بیشتر مکان‌ها امکان وقوع دارد، زندگی جمعی نیاز به مکانی خاص با شرایطی ویژه دارد. مکانی که عموم مردم به آن دسترسی داشته باشند (رضازاده و عباس زادگان به نقل از هدمن^۱ و یازوسکی^۲، ۱۳۹۴: ۸۹). یکی از مهم‌ترین فضاهایی که در بحث اجتماع‌پذیری ضرورت بررسی پیدا می‌کند فضاهای عمومی هستند.

فضاهای عمومی شهری به‌عنوان مهم‌ترین بخش شهرها، عنصر ضروری برای زندگی اجتماعی هستند که سبب حرکت در فضاهای شهری، تبادل اطلاعات و آگاهی، اجتماع‌پذیری و همچنین غنی‌سازی کیفیت محیط‌های شهری می‌شوند (Madanipour, 2012:1) و یکی از مهم‌ترین محیط‌هایی هستند که انسان با غوطه‌ور شدن در آن، ضمن رها شدن از قیدوبندهای رسمی و دیده نشدن، می‌تواند خود را در میان کاروان حیات جامعه بشری جای دهد. «دیوید هاروی»^۳ معتقد است شهرها در فضاهای عمومی بازتولید می‌شوند و انسان نیز «خود» اجتماعی خود را به‌طور مستمر در فضاهای عمومی بازتعریف می‌کند (براتی و خادمی، ۱۳۹۷: ۲۰). در این میان فضاهای باز در مقابل فضاهای بسته، شامل پارک‌ها، میداين، خیابان‌ها و فضاهای باز نواحی مسکونی می‌شوند (Murvani & Amit-cohen,

2007). در واقع فضاهای باز، فضاهایی محصورشده توسط توده‌های ساختمانی و عناصر طبیعی هستند که توسط مردم جهت انجام کارهای معینی از زندگی روزانه اشغال می‌شوند. عملکرد اصلی این فضاها فراهم‌سازی و بسترسازی برای پذیرایی کلیه اقشار، گروه‌های سنی و جنسی و اقلیت‌های اجتماعی در کلیه ساعات شبانه‌روز است. از این‌رو، کیفیت فضاهای عمومی و عناصر شهری مستقر در فضا می‌تواند زمینه ساز حضور یا عدم حضور شهروندان در فضاهای شهری باشد (Remeaser, 2005). یکی از ویژگی‌های فضاهای باز عمومی شهری که می‌تواند نقشی در زندگی جمعی، پایداری اجتماعی و تحکیم نمادهای فرهنگی و تلفیق آن‌ها در فضاهای باز عمومی شهری داشته باشد «محصوریت» است. برای دستیابی به یک مکان شهری جذاب، فضا باید به شکل مطلوبی محصور شود و در واقع می‌توان گفت نخستین اصل حاکم در طراحی مکان‌های شهری «محصوریت» است (توسلی، ۱۳۷۶: ۲۶) و نادیده گرفتن محصوریت یعنی نادیده گرفتن انسان به‌عنوان مهم‌ترین رکن فضا. اجتماعات محصور با هدف دستیابی به امنیت، ایمنی، حریم خصوصی، تشخیص و سبک خاص زندگی به‌وجود می‌آیند. محصوریت نقش مهمی در ایجاد درک فضایی و ارتباط استفاده‌کننده و محیط دارد تا جایی که اگر فضا به شکل مطلوب محصور نشود، نمی‌توان به یک فضای شهری مطلوب دست یافت (سیدیان، ۱۳۸۶: ۴۶). تأثیر محصوریت بر زندگی جمعی در یک فضای عمومی در نتیجه‌ی حضور مردم و فعالیت‌های آنان قابل مشاهده است و می‌تواند اساس ارزش‌گذاری مکان (لاوسون^۴، ۱۳۹۱: ۵۶) و هدف به‌وجود آوردن فضای عمومی محسوب شود. البته محصوریت فضا هدف کوچکی است و به‌تنهایی نمی‌تواند نشان‌دهنده‌ی یک مکان

در فضاهای عمومی شهری با تأکید بر عنصر محصوریت و اجتماع‌پذیری کمتر توجه شده است. به ویژه که در این تحقیق میزان تأثیر و اهمیت عوامل شناسایی شده در شکل‌گیری فعالیت‌های سه‌گانه (اجباری، اختیاری، اجتماعی) مورد تأکید یان گل در فضاهای شهری، هدف اصلی و جنبه نوآورانه تحقیق است که این زمینه تاکنون تحقیقی صورت نگرفته است.

فضای عمومی

فضاهای عمومی زمانی واجد ارزش هستند که نقش اجتماعی و تعاملی در زندگی جمعی شهروندان ایجاد کنند (مهدب‌طالب، ۱۳۸۵). این فضاها از عناصر مهم شهرهای مدرن‌اند و در عرصه‌های مختلف زندگی بشر نقش حیاتی بازی می‌کنند (Kurniaty, 2014:517). «کارمونا» هم درباره‌ی این فضاها معتقد است که قابل دسترس برای همه‌ی اقشار و به‌عنوان یک صحنه برای رفتار، نمایش و تعاملات اجتماعی هستند (Carmona et al, 2004).

در لغتنامه‌ی دهخدا، عمومی در مقابل خصوصی آمده و به آنچه که منسوب و متعلق به عموم باشد تعریف می‌شود (دهخدا، ۱۳۴۵). به‌طور کلی هر گاه از فضای عمومی و تأثیر آن در جامعه سخن به میان آید، دو مفهوم از فضا به ذهن متبادر می‌گردد؛ ابتدا فضاهای عمومی که به‌صورت فیزیکی و کالبدی معنا می‌شوند مانند پارک‌ها، میدین، خیابان‌ها و نظایر آن و دیگری فضاهای موجود برای شکل‌گیری اجتماع‌های انسانی مستقل از دولت که به میزان آزادی‌های اجتماعی در ذهن فرد شکل می‌گیرند (اسدی‌محل‌چالی، ۱۳۹۱: ۵۱). صاحب‌نظران به مهم‌ترین شاخص‌های کیفیت مطلوب فضاهای عمومی شهری اشاره کرده‌اند (جدول شماره ۱). این شاخص‌ها مستقیم و غیرمستقیم بر زندگی جمعی و رفتار اجتماعی شهروندان تأثیرگذارند.

خوب باشد (Jaechool, 2017, 2). بنابراین پرداختن به نیازهای اجتماعی که جزء نیازهای برتر در سلسله‌مراتب پیشنهادی مازلو است (لنگ^۶ به نقل از فرامپتون^۷، ۱۳۹۰: ۱۱۶) و اجتماع‌پذیر ساختن فضا که مورد توجه معماران برای برطرف کردن نیاز اجتماعی انسان‌ها است می‌تواند به‌عنوان هدفی مطلوب برای فضای عمومی مطرح شود. «یان گل»^۸ اجتماع‌پذیری را در فضای عمومی با توجه به فعالیت‌های ساکنان مورد مطالعه قرار داد و سه نوع فعالیت کلی را معرفی کرد که شامل: فعالیت‌های ضروری، انتخابی و اجتماعی هستند و دو نوع فعالیت اختیاری و اجتماعی را به‌عنوان ویژگی‌های یک شهر خوب معرفی کرد، البته تأکید اصلی بر همراهی زندگی جمعی با فعالیت‌های اجتماعی است.

هدف تحقیق حاضر، هدف شناسایی عوامل مؤثر بر ارتقاء حیات جمعی در فضاهای عمومی شهری با تأکید بر عنصر محصوریت و اجتماع‌پذیری و میزان تأثیر و اهمیت عوامل شناسایی شده در شکل‌گیری فعالیت‌های سه‌گانه (اجباری، اختیاری، اجتماعی) است.

در راستای بیان مسئله و هدف تحقیق سؤالات زیر طرح می‌شوند:

- مهم‌ترین عوامل مؤثر در ارتقای حیات جمعی فضاهای عمومی شهری با تأکید بر عامل محصوریت کدامند؟
- عوامل شناسایی شده چه نقشی در ارتباط با ایجاد شکوفایی فعالیت‌های سه‌گانه مورد تأکید یان گل در فضاهای شهری دارند؟

پیشینه و مبانی نظری

تحقیق حاضر از مفهوم عمده «اجتماع‌پذیری» در فضاهای عمومی و مفهوم خاص «محصوریت» تشکیل شده است. طی سال‌های اخیر مطالعات گسترده‌ای درباره‌ی اجتماع‌پذیری فضاهای عمومی صورت گرفته است، اما به مقوله عوامل مؤثر بر ارتقاء حیات جمعی

نظریه پرداز	سال	معیارهای مورد نظر در فضاهای عمومی شهری
جین جیکوبز	۱۹۶۱	نظم فعالیت‌ها بر نظم بصری، کاربری مختلط، نفوذپذیری، امکان نظارت و مراقبت، تنوع و غنای فعالیت‌ها، توجه به خیابان، امکان اختلاط اجتماعی، غنای فعالیت‌ها، انعطاف‌پذیری.
کوبین لینیچ	۱۹۸۵	سازگاری، دسترسی، کنترل و نظارت، کارایی، عدالت، سرزندگی (اجتماعی)، معنی، سرزندگی (بیولوژیک).
ویولچ	۱۹۸۳	قرائت‌پذیری محیط، آزادی انتخاب، فرم‌های شهری متباین، امکان زندگی اجتماعی، به گوش رسیدن آوای گذشته، توجه به پیوندهای بومی منطقه‌ای.
یان بنتلی	۱۹۸۵	نفوذپذیری، تنوع، انعطاف‌پذیری، نفوذپذیری، تنوع (فرم)، خوانایی، انعطاف‌پذیری، سازگاری بصری، غنا، امکان شخصی‌سازی، کارایی از نظر مصرف انرژی.
پاتر و کارمونا	۱۹۹۷	کاربری زمین، جریان حرکت پیاده، الگوهای رفتاری، جریان حرکت سواره، نفوذپذیری، ادراک همگانی، ارزیابی‌های کیفی، عملکردها، تداعی معانی، خوانایی، منظر عینی، فرم مصنوع.
ساورت ورث	۱۹۸۹	ساختار، خوانایی، فرم، حس مکان، هویت، دید و منظر، مقیاس انسانی (پیاده).

ج ۱. شاخص‌های فضاهای عمومی شهری

با وجود تعریف‌های مختلف فضای عمومی، اغلب صاحب نظران موافق‌اند که این فضاها شامل همه مناطقی هستند که برای اعضای عمومی در یک جامعه (در اصل و نه لزوماً در عمل) باز و در دسترس هستند (Orum, 201:1).

«تویترا» (Osmond, 1957). «تویترا» فضاهای اجتماع‌پذیر را نقاطی برای آرامش روانی انسان می‌داند که به شهروند یاری می‌رساند تا بتواند نقش و تأثیر شهر بر شکل‌گیری شخصیتش را بیابد (Mitcherlich, 1969:172). «هالپرین» فضاهایی را که زندگی شهری در آن‌ها چهره می‌بندد و با گوناگونی زیاد به شهروندان اجازه انتخاب آزادانه را بدهد، فضاهای مردم‌گرا می‌خواند و بر این باور است که در واقع، این فضاها هستند که به شهر کیفیت و شخصیت ویژه‌ای می‌بخشند (Halprin, 1972:210). «زوکر» با تمرکز بر میدان، فضاهای شهری اجتماع‌پذیر می‌خواند که جامعه را به معنای واقعی به «اجتماع» و نه صرفاً به «تجمعی از افراد» تبدیل می‌کند (Zucker, 1970:157).

شروع مطالعات زندگی جمعی به دهه ۱۹۶۰ میلادی برمی‌گردد؛ زمانی که انتقادات در مخالفت با معماری و شهرسازی مدرن، به خاطر غفلت از نیازهای اجتماعی و به حاشیه راندن تعاملات اجتماعی به اوج خود رسیده بود (Mahmoudi Farahani & Lozanovska, 2015:178). در این دوره مطالعات زندگی جمعی توسط محققانی مثل جین جیکوبز^{۱۱} (۱۹۶۱)؛ یان گل (۱۹۷۱) و ویلیام وایت (۱۹۸۰) آغاز شد (Gehl & Svarre, 2013:2-3).

وایت^{۱۲} (White, 1980) به دنبال راه‌هایی برای افزایش

با افزایش فردگرایی در جامعه‌ی مدرن، اهمیت محیط‌های انسانی مانند فضاهای عمومی، به عنوان مکان‌هایی که مردم را به هم نزدیک می‌کنند و در نتیجه تعاملات اجتماعی از دست رفته را بهبود می‌بخشند، افزایش می‌یابد (صالحی‌نیا و معماریان، ۱۳۸۸:۶).

اجتماع‌پذیری، قابلیت فضایی برای گرد آمدن ترکیبی از اجتماع‌های انسانی در اشکال مختلفی از زندگی اجتماعی، تبلور می‌یابد که در فضاهای شهری هم چون واحد همسایگی، محله و ... به منتهی ظهور می‌رسد (مظفر و همکاران، ۱۳۹۱:۳۳).

اولین بار «اسموند» در سال ۱۹۵۷ واژه‌های اجتماع‌پذیر و اجتماع‌گریز را که مبین کیفیت‌های فضایی هستند برای محیط‌هایی که مردم را گرد هم جمع می‌آورند یا از هم دور می‌کنند، تعریف کرد و در ادامه افزود هر فضای اجتماع‌پذیری مطلوب و هر فضای اجتماع‌گریزی نامطلوب نیست بلکه برای مطلوبیت فضا بایستی این دو کیفیت به صورت متعادل در کنار هم قرار گیرند

اولین بار «اسموند» در سال ۱۹۵۷ واژه‌های اجتماع‌پذیر و اجتماع‌گریز را که مبین کیفیت‌های فضایی هستند برای محیط‌هایی که مردم را گرد هم جمع می‌آورند یا از هم دور می‌کنند، تعریف کرد و در ادامه افزود هر فضای اجتماع‌پذیری مطلوب و هر فضای اجتماع‌گریزی نامطلوب نیست بلکه برای مطلوبیت فضا بایستی این دو کیفیت به صورت متعادل در کنار هم قرار گیرند

ارتقاء کیفیت آن دانسته است.

در خصوص اجتماع‌پذیری فضاهای عمومی به‌عنوان یک مؤلفه‌ی اصلی، پژوهشگران زیادی عوامل فیزیکی، اجتماعی و روان‌شناختی را به‌عنوان عوامل تأثیرگذار بر اجتماع‌پذیری نشان داده‌اند:

دانشپور و چرخچیان (۱۳۸۶) با استفاده از روش مطالعه کتابخانه‌ای و اسنادی علاوه بر مرور ادبیات در ارتباط با متغیرهای اصلی تحقیق به بررسی ویژگی‌های فضاهای عمومی اجتماع‌پذیر پرداختند و شکل‌گیری فضاهای عمومی اجتماع‌پذیر را مستلزم توجه به تأمین خلوت، قلمرو، خوانایی، آسایش و امنیت و از لحاظ بعد کالبدی و کسب آگاهی و تجارب محیطی، حضور و تعاملات اجتماعی از لحاظ فعالیتی دانستند؛ و به سه نوع فعالیت (اجباری، اختیاری و اجتماعی) در فضاهای عمومی شهری اشاره داشتند که ارتباط بین این فعالیت‌ها و کیفیت کالبدی فضاها می‌تواند بر درجات اجتماع‌پذیری فضاهای عمومی شهری تأثیر بگذارد. شجاعی و پرتوی (۱۳۹۴) با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و روش میدانی (پرسشنامه و مشاهده) به بررسی و شناخت اجتماع‌پذیری در فضاهای عمومی شهری، عوامل ارتقا و ایجاد آن و ارتباط عوامل مختلف با اجتماع‌پذیری پرداختند. با بررسی ابعاد اجتماع‌پذیری فضاهای عمومی شهری سه بعد کالبدی، اجتماعی و فعالیتی تقسیم کردند. یافته‌های آن‌ها نشان داد که عدم توجه به مقیاس‌های فضاهای عمومی منجر به اختلال یا تداخل عملکردی بر روی فضای عمومی ناحیه شده و همچنین فضای عمومی در مقیاس پایین‌تر یعنی فضای عمومی مقیاس محلی کارایی نسبی خود را از دست داده و به هدف تعیین‌شده نخواهد رسید.

سرزندگی و حضور مردم در فضاهای شهری بود. زندگی خیابانی را چنین تعریف نمود «در آنجا مردم ساعت‌ها باهم حرف می‌زنند و خداحافظی‌های طولانی دارند»؛ و این، باعث رشد رفتارهای شهری می‌شود.

«گل» سه نوع فعالیت کلی را معرفی کرد که شامل فعالیت‌های ضروری، انتخابی و اجتماعی هستند (گل، ۱۳۹۱:۵) از میان این‌ها دو نوع فعالیت اختیاری و اجتماعی را به‌عنوان ویژگی‌های یک شهر خوب معرفی کرد (Biddulph, 2007:49).

چی پین^{۱۳} (بحرینی به نقل از چی پین، ۱۳۹۳:۱۴۰) فعالیت‌های مردم را در فضا به سه دسته‌ی فعالیت‌های الزامی (مثل کار و خواب)، فعالیت‌های اختیاری (مثل فعالیت‌های خانوادگی و تفریح) و سایر فعالیت‌ها که فعالیت‌های مشارکتی و انفعالی باشد تقسیم می‌کند (جدول شماره ۲).

نوع فعالیت‌ها	کیفیت محیطی مطلوب	کیفیت محیطی نامطلوب
فعالیت‌های اجباری	●	●
فعالیت‌های اختیاری	●●	●
فعالیت‌های اجتماعی	●●	●

ج ۲. ارتباط بین کیفیت محیط و فعالیت‌های محیطی

(منبع: چرخچیان و دانشپور به نقل از وایت، ۱۳۸۶:۲۴)

در مورد زندگی جمعی مطالعات جامعی در یکی از اولین شهرهای جهان (کپنهاگ) چندین دهه به‌طور منظم انجام شده است (WHO Report FINAL WEB, 2017;73). زندگی جمعی یا به‌عبارتی دیگر اجتماع‌پذیری در فضای عمومی محصور، در تقابل با اجتماع‌گریزی به‌منظور افزایش جمع‌گرایی مردم مطرح شده است. «هلند^{۱۴}» و همکارانش نیز کاهش ماهیت اجتماعی فضاهای باز عمومی را یادآوری نموده‌اند (Askari, 2014)، «جیکوبز» هم اهمیت دادن به فعالیت‌های اجتماعی را از طریق اختلاط کاربری‌ها^{۱۵} در یک فضای عمومی (Jacobs, 1961:153-222) باعث

حسن پور و همکاران (۱۳۹۷) عوامل مؤثر بر ارتقاء تعاملات اجتماعی را در قالب یک مدل تحلیلی ترسیم کرده‌اند. روش این تحقیق به صورت مشاهده میدانی بوده است. نتایج این پژوهش بیانگر آن است که عوامل کالبدی محیط، شخص استفاده‌کننده و سایر افراد حاضر در محیط، فاکتورهای تأثیرگذار بر میزان کیفیت و کمیت تعاملات اجتماعی هستند.

حاتمی و ذاکر حقیقی (۱۳۹۷) باهدف بررسی و شناسایی عوامل تأثیرگذار در انتخاب فضای عمومی توسط شهروندان در دو پیاده‌راه بوعلی سینما و اکباتان شهر همدان سعی در ارائه‌ی نگرشی نو در دستیابی به یک فضای عمومی موفق و مورد انتخاب شهروندان انجام داده‌اند. نوع پژوهش کاربردی و روش آن توصیفی-تحلیلی است. اطلاعات برداشت‌شده به کمک نرم‌افزار SPSS (تحلیل واریانس یک طرفه T و ضریب همبستگی اسپیرمن) مورد تحلیل قرار گرفته است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که توجه به مؤلفه‌های غیرکالبدی از درجه‌ی اهمیت بالایی نسبت به دیگر مؤلفه‌ها برخوردارند.

علوی نسب اشکذری و همکاران (۱۳۹۸) به روش توصیفی و تحلیلی و میدانی و بهره‌گیری از ابزار پرسشنامه به بررسی عوامل مؤثر بر اجتماع‌پذیری فضا در سه فضای عمومی شامل: باغ کتاب، باغ موزه دفاع مقدس و پل طبیعت پرداخته‌اند. نتایج پژوهش، اجتماع‌پذیری فضاهای جمعی و عمومی را در تهران در سه دسته‌ی کلی عوامل کالبدی، فعالیتی و اجتماعی نشان می‌دهد و نتایج بعد اجتماعی را نسبت به مؤلفه‌های دیگر پژوهش پررنگ‌تر نشان می‌دهد. بیشترین موارد حائز اهمیت در میزان اجتماع‌پذیری و موفقیت یک مکان عمومی نسبت به مکان‌های دیگر عوامل: دسترسی، حضور مردم، راحتی، تعاملات

اجتماعی، فعالیت اجتماعی، فضاهای انعطاف‌پذیر، کیفیت و زیبایی مکان است.

جوان مجیدی و نگاری (۱۳۹۸) به روش توصیفی و تحلیلی و میدانی و بهره‌گیری از ابزار پرسشنامه با هدف شناخت مؤلفه‌های اجتماع‌پذیری در تالار شهر انجام داده‌اند. مؤلفه‌های کالبدی، فعالیتی و ادراکی معنایی به عنوان شاخص‌های تحقیق شناسایی شده است. نتایج حاصل نشان می‌دهد خوانایی و رؤیت‌پذیری، شاخص بودن تالار شهر، ورودی دعوت‌کننده، وجود فضاهای شفاف، ایجاد فضاهای تجمعی و گردهمایی، برگزاری جشن‌ها و مراسم ملی و مذهبی، وجود کارکرد فرهنگی، ایجاد هویت و داشتن خاطره‌ی جمعی، از مؤلفه‌های مهم اجتماع‌پذیری تالار شهر است.

نقی لو و فلاح^{۱۶} (۲۰۱۶) به مطالعه اجتماع‌پذیری در محیط‌های شهری پرداخته‌اند. این تحقیق یک مدل مفهومی را برای توصیف اجتماع‌پذیری پیشنهاد می‌کند که بر مبنای سه جنبه انسانی، محیطی و معنایی-ادراکی است. سپس عوامل محیطی به‌عنوان ابزار اصلی در دست طراحان مورد بررسی قرار گرفت. به این ترتیب تأثیرات عوامل محیطی بر اجتماع‌پذیری در فضاهای شهری به دو دسته فیزیکی و اجتماعی تقسیم می‌شوند.

محصولیت

محصولیت یکی از عناصر مهم در ایجاد اجتماع‌پذیری در فضاهای شهری و عنصری برای تعریف مکان و به وجود آوردن حس هویت است که در واقع احساس قرارگیری انسان در داخل یک فضای تعریف شده است تا جایی که اگر یک فضای شهری به شکل مطلوب محصور نشود نمی‌توان به یک فضای شهری مطلوب و اجتماع‌پذیر دست یافت.

براساس لغت‌نامه دهخدا «محصور» به معنای دربندان‌شده، احاطه‌کرده‌شده، محاط‌شده از دیوار و

از میان عوامل کالبدی مؤثر بر محصوریت، ارتفاع ساختمان‌ها، در تحقیقات متعددی با عنوان نسبت عرض به ارتفاع^{۲۰} (Carmona et al, 2003; 139) یا ارتفاع به عرض^{۲۱} مورد مطالعه قرار گرفته‌اند (جدول شماره ۳).

به‌همین دلیل برخی به‌منظور یافتن عددی بهینه برای نسبت ارتفاع به عرض، یک فضای خیابان را از طریق تأثیرشان بر حس آسایش و ایمنی مورد تحقیق قرار داده‌اند (Alkhrshesh, 2007; 18) و یا با استفاده از تکنیک شبیه‌سازی واقعیت مجازی^{۲۲} برای نسبت عرض به ارتفاع، یک میدان شهری را مورد بررسی قرار داده‌اند (Jaecheol and Seungnam, 2019; 1).

علاوه بر نسبت ارتفاع به عرض از عوامل دیگری نیز مانند نمای ساختمان‌ها و اندازه‌ی فضا (توسلی، ۱۳۷۶: ۲۹-۲۷) به‌منظور دست یافتن به یک مکان شهری جذاب نام برده شده‌است؛ و این سه عامل در میدان شهری محصور از طریق تأثیرشان بر کیفیت‌های ادراکی مورد بررسی قرار گرفته‌اند (Jaecheol, 2017; 1).

تاریخ پیدایش اجتماعات محصور شاید به تاریخ سکونت بشر و شکل‌گیری اجتماعات بشری بازگردد. ایجاد حصار و دیوار در پیرامون فضاهای سکونتی از دیرباز در نواحی سکونتی رایج بوده‌است؛ اما رشد اجتماعات محصور با تعریف امروزی از دهه ۱۹۷۰ به بعد در اکثر نقاط جهان بسیار محسوس بوده‌است. درباره محصوریت در فضاهای عمومی چندان تحقیقی صورت نگرفته‌است. به دو نمونه از تحقیقاتی که در بیان مبانی محصوریت در این مقاله کمک‌کننده بود اشاره می‌شود:

سیدیان و ابافت یگانه (۱۳۸۶) با بررسی تطبیقی عوامل کیفی و کمی محصوریت در مناظر شهری سنتی ایران و اروپا، اهمیت شرایط فرهنگی، اقلیمی و زمانی را نشان دادند که محصوریت به‌تبع سایر اصول

حصار و محبوس است (سیدیان و ابافت یگانه، ۱۳۸۶: ۴۸). منظور محدود شدن یک فضا به وسیله جداره‌هایش است، به‌صورتی که انسان احساس نماید، داخل ظرفی قرار گرفته‌است. محصوریت دارای درجات خاصی است که در ارتباط با خیابان محصوریت حداقل از دو عامل «نسبت ارتفاع جداره به کف» و «میزان پیوستگی جداره خیابان» سرچشمه می‌گیرد. رنگ، بافت، شکل مصالح جداره و کف نیز بر محصوریت فضا تأثیرگذارند. کلیه عناصر تعریف‌کننده فضا، احجام، سطوح و نقاط، مانند انواع ساختمان‌ها، دیوارها، درختان و ... ایجادکننده محصوریت بوده و هر کدام تأثیر متفاوتی بر ناظر می‌گذارند. لازم به ذکر است که انسان برای هر مکان توقع خاصی از محصوریت و عناصر محصورکننده دارد (پاکزاد، ۱۳۸۶: ۱۳۳).

برخی محصوریت فضا را به‌عنوان اولین حسی که باید در فضاهای شهری حاصل آید (کارمونا^{۱۷} به نقل از زیته^{۱۸}، ۱۳۹۴: ۲۸۹) و یا به‌عنوان یکی از اساسی‌ترین اصل ایجاد فضا می‌دانند (دوست حسینی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۲۶).

«شافتوئه» محصوریت را از نظر ایجاد خرداقلیم در به‌وجود آوردن فضایی شاد و طرب‌انگیز مؤثر می‌داند (Shaftoe, 2008: 70). امنیت و آسایش به‌علاوه‌ی دستیابی به مقیاس انسانی نیز مقولات دیگری هستند که محصوریت را در ایجادشان مؤثر دانسته‌اند (Tibbalds, 1992: 4). فضاهای عمومی که در نتیجه محصوریت ایجاد می‌شوند از طریق بررسی عناصر کالبدی مورد بررسی قرار گرفته‌اند. «ماتین» کلید محصوریت میدان را درمان گوشه‌های آن می‌داند (Moughtin, 1999: 57)؛ و وایت هم حس محصوریت در پلازای سیگرام^{۱۹} را دلیل لذت بردن از آن مکان می‌داند (White, 1980: 26).

شهرسازی و معماری می‌باید از شرایط بومی و معاصر منتج شود تا حداکثر مطلوبیت فضایی را برای استفاده‌کننده پیاده و سواره ایجاد کند.

نتایج پژوهش کلانتری (۱۳۸۹) حاکی از آن بود که محصوریت ممکن است به افزایش پیوستگی اجتماعی، افزایش حس اجتماع، آسایش و امنیت در سطح اجتماع محلی بیانجامد.

ردیف	نسبت ارتفاع به عرض	حس محصوریت	توضیح
۱	۱:۴	ضعیف	دیدهای رو به بیرون به اندازه کافی در درون فضا باقی نمی‌ماند که حس محصوریت را به وجود آورد.
۲	۱:۲ و ۱:۲,۵	خوب	دید به آسمان کم‌تر غلبه دارد و حس محصوریت ۳ بعدی افزایش می‌یابد.
۳	۱:۱	قوی	حداقل راحتی را از نظر محصوریت به وجود می‌آورد.
۴	بزرگ‌تر از ۱	خیلی قوی	حس ترس از محصوریت را به وجود می‌آورد و نفوذ نور به فضا را کاهش می‌دهد.

۳.۳. نسبت ارتفاع به عرض برای محصوریت خیابان

براساس منبع: (کارمونا و همکاران، ۱۳۹۴:۲۹۷)

روش تحقیق

تحقیق حاضر با هدف بررسی عوامل مؤثر بر حیات جمعی فضاهای عمومی شهری با تأکید بر عامل محصوریت و اجتماع‌پذیری انجام گرفته است. پژوهش حاضر از نظر ماهیت، کمی و کیفی بوده و از نظر هدف در زمره تحقیقات کاربردی و به روش توصیفی-تحلیلی و بر پایه راهبرد پیمایشی انجام گرفته است. داده‌های تحقیق حاضر از راه تکمیل پرسشنامه‌های محقق ساخت گرد آمدند. پرسشنامه تحقیق براساس پیشینه، تدوین شد و روایی ظاهری آن از طریق اساتید معماری و طراحی شهری مورد تأیید قرار گرفت. جامعه آماری تحقیق حاضر کارشناسان مرتبط با مقوله طراحی فضاهای شهری (کارشناسان سازمانی، استادان دانشگاه و دانشجویان دو دوره کارشناسی و کارشناسی ارشد

رشته معماری و رشته طراحی شهری) هستند که با موضوع آشنا بوده و قابلیت و توانایی پاسخگویی به سؤالات را داشتند. با توجه به اینکه داشتن اطلاعات کافی در مورد موضوع، اولویت انتخاب محقق در نمونه‌ها بود و با توجه به گستردگی تعداد نمونه‌ها و عدم اطلاع محقق از تعداد آن‌ها؛ با استفاده از روش گروه خبرگان و نمونه‌گیری در دسترس ۸۳ نفر موردبررسی قرار گرفتند و مرحله تکمیل پرسشگری تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت. از دلایل استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس این بود که نمونه‌گیری در دسترس (Available Sampling) به معنای انتخاب سوژه‌هایی است که یا در دسترس شما هستند یا این که پیدا کردن آن‌ها کار بسیار ساده‌ای است. مزیت اصلی این روش این است که استفاده از آن نسبت به دیگر روش‌های نمونه‌گیری بسیار راحت است. قبل از پرداختن به تحلیل داده‌ها و استخراج عوامل مؤثر مرتبط با حیات جمعی فضاهای عمومی شهری و نقش و اهمیت عوامل مؤثر بر فعالیت‌های سه‌گانه در فضاهای شهری، باید میزان پایایی و قابلیت تعمیم یافته‌های تحقیق موردبررسی قرار می‌گرفت، به همین منظور از آلفای کرونباخ استفاده شد که عدد آن ۰,۷۴ است و این عدد نشان‌دهنده پایایی قابل قبول یافته‌های تحقیق است. بعد از گردآوری داده‌ها در تحقیق حاضر از نرم‌افزار تحلیل آماری SPSS جهت تحلیل داده‌ها استفاده شد. در این مطالعه جهت پاسخگویی به سؤالات تحقیق از مدل‌ها و تکنیک‌های متفاوت آماری و ریاضی استفاده شد. جهت پاسخگویی به سؤال اول تحقیق از روش تحلیل عاملی استفاده شد که از مدل‌های شناخته‌شده آماری جهت تلخیص داده‌ها و تعیین عوامل مؤثر

اجتماعی) در بررسی رفتارهای اجتماعی در فضا، در تحقیقاتی که در زمینه‌ی وابستگی نیازهای اجتماعی به مشخصات کالبدی انجام شدند، نادرست تبیین شدند، بنابراین تبیین صحیح این رابطه به تحقیق بیشتری نیاز دارد. بدین منظور در این مقاله به بررسی و تحلیل عامل محصوریت و عناصر مرتبط با آن (به‌عنوان متغیر مستقل) و تأثیر آن بر ارتقای اجتماع‌پذیری در فضاهای عمومی شهری (به‌عنوان متغیر وابسته) پرداخته شد و در این راستا به بررسی و استخراج شاخص‌های مرتبط با عامل محصوریت و اجتماع‌پذیری فضاهای عمومی شهری پرداخته شد که برگرفته از نظریات نظریه‌پردازان متعدد است. به‌منظور تعیین شاخص‌هایی برای سنجش و عملیاتی کردن مفاهیم عامل محصوریت و اجتماع‌پذیری و همچنین میزان ارزش و اهمیت هر یک از شاخص‌های مذکور (جدول شماره ۴) در قالب پرسشنامه‌ای با طیف‌بندی لیکرت (بسیار زیاد، زیاد، متوسط، کم، بسیار کم) نمونه‌های آماری مورد پرسش قرار گرفتند.

است و در این مقاله با استفاده از این مدل به بررسی عوامل مؤثر در ارتقای حیات جمعی فضاهای عمومی شهری با تأکید بر عامل محصوریت پرداخته شد و برای پاسخگویی به سؤال دوم تحقیق که در ارتباط با عوامل شناسایی شده چه نقشی در ایجاد و شکوفایی فعالیت‌های مورد تأکید یان گل در فضاهای شهری دارند، از روش سنجش سطح جذابیت استفاده شد.

شاخص‌های تحقیق

از آنجایی که محصوریت به‌تنهایی نمی‌توانست هدفی برای فضای عمومی باشد، اجتماع‌پذیری فضا به‌عنوان شاخصی مطلوب برای آن مطرح شد، این در حالی است که رابطه‌ی بین مؤلفه‌های کالبدی محصوریت و زندگی جمعی کمتر مورد بررسی قرار گرفته است. انسجام ابعاد کالبدی و اجتماعی، سابقاً رویکرد طراحان مدرن بود، اما با تکامل معماری، به رها نمودن ابعاد اجتماعی فضا منجر شد. به این دلیل که رابطه بین متغیرهای مستقل (محیط) و متغیرهای وابسته (رفتار

شاخص‌ها	معیار
ترکیب عناصر خطی، ردیف ستون‌های بناها، نحوه ارتباط تقسیمات داخلی فضای طراحی شده با فضاهای اطراف، سطح عمودی دیوار، گستردگی فضای طراحی شده، ارتفاع چارچوب فضاهای طراحی شده، مصالح بکاربرده شده در ساخت سطوح و پوشش فضاهای طراحی شده، تنوع رنگی در فضای طراحی شده، جداره‌های متحد و ممتد با تنوع ریتم، وجود مکان کافی برای نشستن، دسترسی و پیوستگی بصری و فیزیکی فضای طراحی شده، ماهیت عملکردی بلوک‌های طراحی شده در جداره‌ها، سازگاری فعالیت‌های در جداره‌ها، اختلاط و غنای فعالیت‌ها در جداره‌ها، سازگاری بصری در نمای ساختمان‌ها، احیاء کاربری‌های غیرفعال در فضا، طراحی مسیرهای پیاده فرعی خوانا در فضای محصور، کیفیت روشنایی و نورپردازی، به‌کارگیری کاربری‌های تجاری کوچک‌مقیاس به‌عنوان محرکی جهت فعالیت‌های پیاده در فضا، قابلیت دسترسی، عدم اختلاط فاحش بین نمای ساختمان‌ها، استفاده از رمپ به‌جای پله، سروصدای کم در فضا، استفاده از آب و آب‌نما در سطوح فضای محصور شده به‌منظور ایجاد آرامش، وجود المان‌هایی جهت نشستن در فضا، دعوت‌کنندگی فضای محصور شده جهت نشستن، بازی و ...	معیار کالبدی (با تأکید بر عامل محصوریت و عناصر مرتبط با آن)
میزان فعالیت‌های داوطلبانه در فضا، تنوع قومی، سن و جنس کاربران فضا، امکان برگزاری مراسم و رویدادهای فرهنگی و هنری، میزان خاطره‌انگیزی فضای محصور شده، شناسایی فضای محصور شده به‌عنوان عنصر شاخص شهری، توقع فرد از فضا، میزان حضورپذیری، تصویر ذهنی افراد از فضا.	معیار اجتماع‌پذیری

ج. ۴. شاخص‌های مورد استفاده در تحقیق با تأکید بر عامل محصوریت و عناصر مرتبط با آن و عامل اجتماع‌پذیری، منبع: شولتز (۲۰۱۲)، مؤسسه PPS (۲۰۱۰)، جین جاکوبز به نقل از شارپور (۱۳۸۹)، لنگ (۲۰۰۳)، الحقال (۲۰۰۹)، CDM (۲۰۰۸)،

کاهانا (۲۰۰۳)، لاندری (۲۰۰۰)، گار یان (۲۰۰۶)، کارمونا (۲۰۱۱)

یافته‌های تحقیق

حاضر بعد از استخراج شاخص‌ها از مطالعه نظریه‌های مرتبط با موضوع مورد بررسی حدود ۳۹ شاخص انتخاب شدند که این شاخص‌ها بعد از مشورت با اساتید و کارشناسان امر، در قالب پرسشنامه‌ای تدوین

یکی از کاربردهای اصلی روش تحلیل عاملی، طبقه‌بندی متغیرها در چند عامل و درک بهتر ماهیت و پیچیدگی پدیده‌ها و روابط آن‌ها با هم است. در مقاله

شدند و در اختیار متخصصان و کارشناسان و دانشجویان قرار گرفت. پیش از انجام روش تحلیل عاملی به منظور بررسی کفایت حجم نمونه و رد فرض صفر از آزمون بارتلت با ضریب KMO استفاده شد؛ زیرا امکان استفاده از این مدل در تمامی شرایط وجود ندارد و داده‌ها باید شایستگی لازم را داشته باشند. مقدار KMO باید بالاتر از ۰,۵ باشد و آن موقع می‌توان از این مدل استفاده کرد که مقدار KMO در مقاله حاضر ۰,۷۱ محاسبه شد که قابلیت اجرایی داده‌ها را در مدل تحلیل عاملی نشان می‌دهد؛ و آزمون بارتلت برای تشخیص مقدار همبستگی مدل عاملی پژوهش برابر است با ۲۴۸۶,۸۱ که با سطح معناداری $0/000 \geq 0/001$ نشان می‌دهد که داده‌های به دست آمده برای تحلیل عاملی مناسب هستند. در ادامه ماتریس همبستگی بعد از استانداردسازی داده‌های اولیه جهت رفع اختلاف مقیاس تشکیل شد، هر قدر مقدار همبستگی داخلی بین متغیرها نزدیک تر باشد، تعداد عامل‌های پدید آمده کمتر خواهد بود. در تحقیق حاضر حدود ۳۵ معرف در جریان پژوهش توسط ۸۳ نفر از متخصصان و کارشناسان مورد ارزیابی قرار گرفت. تعداد عوامل استخراج شده همراه با مقدار ویژه هر یک از آن‌ها، درصد واریانس هر یک از عوامل و فراوانی تجمعی درصد واریانس عوامل آمده است. مقدار ویژه عبارت از واریانس مجموعه متغیرهای مشاهده شده است که توسط هر عامل تبیین شده است، اولین عامل همیشه بیشترین واریانس متغیرها را تبیین می‌کند، بنابراین بزرگ‌ترین مقدار ویژه را دارد. در تحقیق حاضر ۳ عامل اصلی استخراج شد که مقادیر ویژه هر یک از آن‌ها، بالای ۱ بودند و تغییرات و واریانس متغیرها را به خوبی تفسیر کرده‌اند. در واقع مقادیر ویژه ۳ عامل به حدی بوده که معرف‌های مورد بررسی حول آن‌ها پراکندگی

بیشتری داشته‌اند. با توجه به نتایج جدول شماره ۵، ۳ عامل اصلی استخراج شد که عامل اول با مقدار ویژه ۷,۵۹ بیشترین سهم و عامل دوم با مقدار ویژه ۴,۶۸ در مرتبه بعدی و عامل سوم با مقدار ویژه ۲,۳۷ کمترین سهم را در تبیین میزان تغییرات معرف‌های تحقیق داشتند.

با توجه به نتایج جدول شماره (۴)، ۳ عامل اصلی استخراج شده حدود ۶۳ درصد تغییرات معرف‌های تحقیق را تبیین می‌کنند. همچنین از میان ۳۵ معرف، ۲۹ معرف در تبیین عوامل دخالت دارند.

ردیف	عامل	مقادیر ویژه	درصد واریانس	درصد تجمعی واریانس
۱	۱	۷,۵۹	۳۱,۷۱	۳۱,۱۷
۲	۲	۴,۶۸	۱۸,۶۴	۵۰,۳۵
۳	۳	۲,۳۷	۱۳,۰۹	۶۳,۴۴

ج ۵. تعداد عامل‌های استخراج شده همراه با مقادیر ویژه،

درصد واریانس و درصد تجمعی

با توجه به بارهای عاملی به دست آمده، عامل اول ۱۶ معرف دارد، معرف‌های عامل اول، مواردی هستند که به بخش کالبدی و فضایی و بیشتر ابعاد فضایی و بعد فنی فضای محصور شده مربوط هستند. بدین منظور عامل اول به عنوان عامل کالبدی-فضایی نام گذاری شد. عامل دوم از ۶ معرف شکل گرفته است و تمام معرف‌های آن، ماهیت فعالیتی و کارکردی در فضای عمومی دارند بنابراین عامل دوم، به نام فعالیتی-عملکردی نام گذاری شد و عامل سوم ۷ معرف دارد که ماهیت آن‌ها درونی و ادراکی است و عامل ادراکی-معنایی نام گذاری شد (جدول شماره ۶).

عامل کالبدی-فضایی

با توجه به شاخص‌های مورد بررسی و ماهیت فیزیکی و فنی آن‌ها در شکل‌گیری عنصر محصوریت در فضاهای شهری، عامل اول در این تحقیق که از ۱۶

توجه به ماهیت معرف‌های مورد بررسی (۶ معرف)، این عامل به عنوان عامل فعالیتی-عملکردی نام‌گذاری شد. این عامل در شکل‌گیری پایه‌های ارتباطی انسان و محیط، زمینه‌ی ارتقاء کیفیت محیط را فراهم آورده و احساس عاطفی نسبت به مکان، سبب ارتباطات و تعاملات نزدیک‌تر شهروندان با یکدیگر در فضاهای عمومی شده، پیوندهای اجتماعی قوی‌تری با فضا ایجاد نموده و هنگام حضور در فضا احساس سرزندگی و شادکامی به وجود می‌آورد.

معرف شکل گرفته، عامل کالبدی-فضایی نام‌گذاری شد. فضای شهری با توجه به ساختار کالبدی مناسب می‌تواند موجبات احیای جامعه مدنی در فضاهای شهری شود.

عامل فعالیتی - عملکردی

فضای شهری به ترکیبی اطلاق می‌شود که در آن فعالیت‌ها و کارکردهای متنوع اجتماعی، خدماتی و فرهنگی روی می‌دهد؛ همچنان که جین جیکوبز نیز بر لزوم وجود اشکال ارتباطات اجتماعی، برخوردهای اجتماعی و فعال بودن مکان‌های شهری تأکید می‌کند. با

بار عاملی	متغیر	عامل	ردیف
۰,۷۱۵	ترکیب عناصر خطی	عامل کالبدی-فضایی	۱
۰,۶۲۷	ردیف ستون‌های بناها		
۰,۶۱۹	نحوه ارتباط تقسیمات داخلی فضای طراحی شده با فضاهای اطراف		
۰,۵۲۹	سطح عمودی دیوار		
۰,۶۶۷	ارتفاع چارچوب فضاهای طراحی شده		
۰,۷۰۷	مصالح بکاربرده شده در ساخت سطوح و پوشش فضاهای طراحی شده		
۰,۴۹۶	تنوع رنگی در فضای طراحی شده		
۰,۶۸۸	جدارهای متحد و ممتد با تنوع ریتم		
۰,۷۲۳	وجود مکان کافی برای نشستن		
۰,۵۵۱	دسترسی و پیوستگی بصری و فیزیکی در فضای طراحی شده		
۰,۶۱۶	سازگاری بصری در نمای ساختمان‌ها		
۰,۷۲۲	طراحی مسیرهای پیاده فرعی خوانا در فضای محصور		
۰,۶۷۸	کیفیت روشنایی و نورپردازی		
۰,۴۸۱	عدم اختلاف فاحش بین نمای ساختمان‌ها		
۰,۵۱۸	استفاده از رمپ به جای پله		
۰,۶۴۲	استفاده از آب و آب‌نما در سطوح فضای محصور شده به منظور ایجاد آرامش	عاملی فعالیتی-عملکردی	۲
۰,۷۲۵	ماهیت عملکردی بلوک‌های طراحی شده در جداره‌ها		
۰,۶۸۲	سازگاری فعالیت‌های در جداره‌ها		
۰,۵۹۸	اختلاط و غنای فعالیت‌ها در جداره‌ها		
۰,۴۸۸	احیاء کاربری‌های غیرفعال در فضا		
۰,۵۵۳	به‌کارگیری کاربری‌های تجاری کوچک مقیاس به‌عنوان محرکی جهت فعالیت‌های پیاده در فضا	عامل ادراکی-معنایی	۳
۰,۵۰۳	میزان فعالیت‌های داوطلبانه در فضا		
۰,۵۳۲	میزان خاطره‌انگیزی فضای محصور شده		
۰,۶۷۱	سروصدای کم در فضا		
۰,۴۹۹	دعوت‌کنندگی فضای محصور شده جهت نشستن و بازی و ...		
۰,۴۲۸	توقع فرد از فضا		
۰,۶۵۳	شناسایی فضای محصور شده به‌عنوان عنصر شاخص شهری		
۰,۶۳۸	میزان حضورپذیری		
۰,۵۶۶	تصویر ذهنی افراد از فضا		

ج.۶. نتایج حاصل از چرخش عامل به روش واریماکس

ارزیابی میزان ارزش و اهمیت هریک از شاخص‌های مرتبط با عوامل شناسایی شده با فعالیت‌های مرتبط با آن با توجه به عوامل شناسایی شده در ارتباط با حیات جمعی فضاهای عمومی شهری با تأکید بر عامل محصوریت و اجتماع‌پذیری و مشورت با اساتید و متخصصان، فعالیت‌های سه‌گانه‌ی (اجتماعی، اختیاری، اجباری) که در بخش مبانی نظری به صورت کامل تشریح شدند، ارزش‌گذاری و به ارتباط آن‌ها با عوامل شناسایی شده پرداخته می‌شود. بدین منظور از مدل سنجش سطح جذابیت استفاده شد. قضاوت یا ارزیابی در خصوص اهمیت و ارتباط مؤلفه‌های موردبررسی در ارتباط با فعالیت‌های انجام گرفته در فضاهای شهری، دربردارنده‌ی امتیازی میان عدد ۱ تا ۵ با توجه به وزن

معیار خواهد بود. همچنین رتبه سطح جذابیت مبتنی بر سه گروه ۱ (سطح ۱) تا ۳ (سطح ۳) خواهد بود. در جدول شماره ۷ سطح اهمیت و ارتباط شاخص‌های عامل کالبدی در ارتباط با فعالیت‌های سه‌گانه در فضاهای شهری پرداخته شد و مشخص شد که شاخص‌هایی مانند ترکیب عناصر خطی، نحوه‌ی ارتباط تقسیمات داخلی فضا...، تنوع رنگی در فضای طراحی شده، طراحی مسیرهای پیاده فرعی... و غیره در ارتقای میزان فعالیت‌های اجتماعی افراد در فضاهای عمومی شهری اهمیت بالایی دارند و بعد از آن در ارتقای فعالیت‌های اختیاری نقش دارند. ولی شاخص‌های کالبدی بر فعالیت‌های اجباری افراد کمترین نقش را دارند.

جدول شماره	جمع امتیازات	استفاده از آب و آبنما	چاره‌های متحد و ممتد با تنوع ریتم	استفاده از رمپ به جای پله	عدم اختلاف فاحش بین نما	کیفیت روشنایی و نورپردازی	طراحی مسیرهای پیاده فرعی...	سازگاری بصری در نمای ساختمان‌ها	دسترسی و پیوستگی بصری و فیزیکی...	وجود مکان کافی برای نشستن	تنوع رنگی در فضای طراحی شده	مصالح بکار برده شده در ...	ارتفاع چارچوب فضاها	سطح عمودی دیوار	نحوه ارتباط تقسیمات داخلی فضا...	ردیف ستون‌های بناها	ترکیب عناصر خطی	
۱	۷۲	۵	۴	۴	۴	۵	۵	۴	۵	۵	۵	۳	۵	۴	۵	۵	۴	فعالیت‌های اجتماعی
۲	۵۳	۳	۳	۲	۳	۴	۴	۳	۵	۳	۴	۲	۴	۳	۴	۳	۳	فعالیت‌های اختیاری
۳	۲۹	۱	۱	۱	۲	۲	۳	۱	۳	۳	۱	۲	۲	۲	۲	۲	۱	فعالیت‌های اجباری

ج ۷. سطح اهمیت مؤلفه‌های عامل کالبدی و فضایی با فعالیت‌های سه‌گانه

شهری نقش و تأثیر دارند. نتایج حاصل از مدل سنجش سطح جذابیت در مورد بعد ادراکی و معنایی در ارتباط با ارتقای فعالیت‌های سه‌گانه در جدول شماره ۹ آورده شده است. وجود مؤلفه‌های بعد ادراکی و معنایی در فضاهای شهری و معماری، موجب شکل‌گیری رابطه‌ای خاص بین فرد و محیط می‌شود. این بعد، عاملی است که موجب تبدیل فضا به مکانی با خصوصیات حسی و رفتاری ویژه برای افراد می‌شود؛ بنابراین مطابق یافته‌های تحقیق، ابعاد

نتایج حاصل از بررسی مؤلفه‌های عامل فعالیتی- عملکردی در ارتقای فعالیت‌های سه‌گانه در فضاهای شهری در جدول شماره ۸ آورده شده است. مطابق جدول شماره ۷، اهمیت وجود مؤلفه‌های فعالیتی- عملکردی در ارتقای فعالیت‌های اجتماعی و اختیاری در فضاهای عمومی شهری در سطح یک اهمیت قرار دارد و نقش بیشتری در شکل‌گیری حیات جمعی در فضاهای عمومی شهری دارد. از طرفی وجود برخی از این مؤلفه‌ها در انجام فعالیت‌های اجباری در فضاهای

ادراکی و معنایی در ارتقای فعالیت‌های اجتماعی و اختیاری در فضاهای شهری نقش بسزایی دارند.

جذابیت	جمع امتیازات	میزان فعالیت‌های داوطلبانه در فضا	به‌کارگیری کاربری‌های تجاری کوچک‌مقیاس به‌عنوان محرکی جهت فعالیت‌های پیاده در فضا	احیاء کاربری‌های غیرفعال در فضا	اختلاط و غنای فعالیت‌ها در جداره‌ها	سازگاری فعالیت‌ها در جداره‌ها	ماهیت عملکردی بلوک‌های طراحی‌شده در جداره‌ها	
۱	۲۸	۵	۵	۵	۴	۴	۵	فعالیت‌های اجتماعی
۲	۲۱	۴	۴	۳	۳	۳	۴	فعالیت‌های اختیاری
۳	۱۳	۱	۱	۱	۳	۳	۴	فعالیت‌های اجباری

ج ۸. سطح اهمیت مؤلفه‌های عامل فعالیتی-عملکردی با فعالیت‌های سه‌گانه

جذابیت	جمع امتیازات	تصویر ذهنی افراد از فضا	میزان حضورپذیری	شناسایی فضای محصورشده به‌عنوان عنصر شاخص شهری	دعوت‌کنندگی فضای محصورشده جهت نشستن و بازی و ...	توقع فرد از فضا	سروصدای کم در فضا	میزان خاطره‌انگیزی فضای محصورشده	
۱	۳۴	۵	۴	۵	۵	۵	۵	۵	فعالیت‌های اجتماعی
۲	۳۰	۴	۴	۵	۵	۴	۴	۴	فعالیت‌های اختیاری
۳	۱۱	۲	۱	۲	۱	۳	۱	۱	فعالیت‌های اجباری

ج ۹. سطح اهمیت مؤلفه‌های عامل ادراکی-معنایی با فعالیت‌های سه‌گانه

نتیجه

فضاهای عمومی شهری و استفاده از مدل تحلیل عاملی، معرفی‌ها در قالب سه عامل کالبدی-فضایی، فعالیتی-عملکردی و ادراکی-معنایی شناسایی و تله‌یخ‌شدند. وجود فعالیت‌های متنوع و متفاوت در فضا باعث تجمع افراد می‌شود و ویژگی جمع‌پذیری را ارتقاء می‌بخشد؛ اما فعالیت‌ها، زمانی در فضا، تجمع ایجاد می‌کنند که اولاً افراد امکان درگیر شدن با فعالیت‌های مختلف و امکان انتخاب فعالیت مناسب با علاقه یا نیاز خود را داشته باشند. اگر فعالیت‌های مختلف کنار هم قرار گیرند؛ فرد می‌تواند هم‌زمان در چند فعالیت درگیر شود. ثانیاً فضای محصورشده باید بستر مناسبی برای عرضه فعالیت‌های مختلف ایجاد نماید و توان انجام چند فعالیت مختلف را داشته باشد و فضای مناسب برای نشستن افراد و امکان بازی کودکان خردسال را فراهم کند؛ یعنی فضا باید توسط تجهیزات و مبلمان

با توجه به اینکه، یکی از اصول دستیابی به فضای شهری مطلوب و جذاب اصل محصوریت و اصل مقیاس و تناسب در بدنه، ساختار و عناصر است، در بیشتر تحقیقات به‌صورت کلی با اعداد و ارقام به بررسی عناصر محصوریت شامل سه عنصر کف، جداره، نمای ساختمان‌ها و ستون، پرداخته شده‌است. در تحقیق حاضر، با توجه به این نکته که فضای محصور در واقع به‌وسیله ترکیب سطوح مادی و عناصر شهری ایجاد می‌شود، چگونگی و ویژگی‌های این ترکیبات و عناصر شکل‌دهنده‌ی فضای محصور جهت ارتقای جذابیت فضا و ارتقای حیات جمعی و حضور افراد در آن فضا برای انجام فعالیت‌های اجتماعی موردبررسی قرار گرفت و با استفاده از جمع‌آوری معرف‌هایی مرتبط با اصل محصوریت و اجتماع‌پذیری

مناسب، امکان انجام فعالیت‌های مختلف را در کنار هم فراهم سازد. سخن آخر اینکه محصوریت فضا اصل بنیادین در طراحی معماری و فضای شهری به حساب می‌آید و فضا در واقع با محصوریت شروع می‌شود و رعایت عوامل شناسایی شده در مقاله حاضر می‌تواند فضاهای عمومی شهری را در پیوند با سایر اصول طراحی معماری برای افراد جامعه اجتماع‌پذیر نماید.

پی‌نوشت

1. Hedman Richard
2. Yaszewski Andrew
3. David Harvey
4. Lawson
5. Jon T. Lang
6. Kenneth Frampton
7. Gehl jan
8. Matthew Carmona
9. Halprin
10. Zucker
11. Jane Jacobs
12. Whyte
13. Francis Stuart Chapin
14. Holland
15. Mixed Uses
16. Naghiloo, Falahat
17. Carmona
18. Sitte
19. Seagram
20. W/H
21. D/H
22. Virtual Reality

فهرست منابع

- اسدی محل‌چالی، مسعود. (۱۳۹۱)، افزایش خوانایی و هویت بافت محله‌های شهری، نمونه موردی محله فاطمیه کرج. فصلنامه علمی - تخصصی معاونت مهندسی ناچا، سال پنجم، شماره شانزدهم، صص ۵۷-۴۸.
- بحرینی، سید حسین. (۱۳۹۳)، فرایند طراحی شهری، چاپ نهم، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
- براتی، ناصر؛ خادمی، شهرزاد. (۱۳۹۷)، فضاهای جمعی: ضرورت‌ها و موانع نمونه موردی: چهارراه ولیعصر تهران. مجله منظر، دوره ۱۰، شماره ۴۴، صص ۲۳-۱۸.

- پاکزاد، جهان‌شاه. (۱۳۸۶)، مبانی نظری و فرآیند طراحی شهری، انتشارات شهیدی، چاپ دوم، تهران.

- توسلی، محمود. (۱۳۷۶)، اصول و روش‌های طراحی شهری و فضاهای مسکونی در ایران، جلد اول، چاپ چهارم، ناشر مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، تهران.

- چرخچیان، مریم؛ دانشپور، سید عبدالهادی. (۱۳۸۶)، فضاهای عمومی و عوامل مؤثر بر حیات جمعی، شماره ۷، نشریه باغ نظر، تهران.

- حاتمی، یاسر؛ ذاکر حقیقی، کیانوش. (۱۳۹۷)، بررسی عوامل مؤثر در انتخاب فضای عمومی توسط شهروندان (مطالعه موردی: پیاده راه بوعلی سینا و اکباتان شهر همدان)، مطالعات محیطی هفت حصار، سال ۶، شماره ۲۳، صص ۹۴-۸۱.

- حسن‌پور، آناهیتا؛ امیدواری، سمیه؛ صدرارحامی، محمدحسین. (۱۳۹۷)، بررسی عوامل مؤثر بر ارتقاء تعاملات اجتماعی در فضاهای شهری (نمونه موردی: میدانچه جلفا - اصفهان)، معماری شناسی، سال اول، شماره ۵، صص ۹-۱.

- حمزه‌نژاد، مهدی؛ شریفیان، زهرا. (۱۳۹۵)، ارزیابی تطبیقی معیارهای سنتی و جدید اجتماع‌پذیری و تحقق آن در دو محله سنتی و جدید مطالعه موردی: محله جلفا، سپاهان شهر اصفهان، فصلنامه مطالعات شهر ایرانی و اسلامی، سال ۷، شماره ۲۶، صص ۷۱-۸۸.

- دوست حسینی، محمد؛ انارکی محمدی، وحیدرضا؛ قاسمی درویش بقال، رقیه؛ شبابانی، مسعود؛ حسین‌پور، زهرا. (۱۳۹۶)، مدیریت فضاهای انسان‌محور، انتشارات رهام اندیشه، چاپ اول، کرج.

- سیدیان، سیدعلی؛ ابافت یگانه، منصور. (۱۳۸۶)، بازنگری مفهوم محصوریت کالبدی در فضای شهری، نشریه راه و ساختمان، شماره ۴۶، صص ۵۴-۴۶.

- شجاعی، دلارام؛ پرتوی، پروین. (۱۳۹۴)، عوامل مؤثر بر ایجاد و ارتقاء اجتماع‌پذیری در فضاهای عمومی با مقیاس‌های مختلف شهر تهران (نمونه موردی: فضاهای عمومی دو محله و یک ناحیه در منطقه ۷ تهران)، فصلنامه علمی و پژوهشی باغ نظر سال دوازدهم پاییز ۱۳۹۴ شماره ۳۴.

- صالحی‌نیا، مجید؛ معاریان، غلامحسین. (۱۳۸۸)، اجتماع‌پذیری فضای معماری، نشریه هنرهای زیبا - معماری و شهرسازی، شماره ۴، صص ۱۷-۵.

relationships and patterns of use in urban public spaces in China and the United Kingdom. *Cities* 93 (2019) 188-196.

- Carmona, M., Freeman, J., Rose, S., & Woolley, Helen. (2004). *The Value of Public Space: How High Quality Parks and Public Spaces Create Economic, Social and Environmental Value*. *Public Space*.

- Francis, J., Giles-Corti, B., Jane Wood, L., Knuiaman, M. (2012). *Creating sense of community: The role of public space*. *Journal of Environmental Psychology* (32), pp: 401-409.

- Gehl, J. & Svarre, B. (2013). *How to study public life*. Washington DC, Island Press.

- Halprin, L. (1972). *Cities*, The MIT Press, Massachusetts.

- Hampton, K., Goulet, L.S. & Albanesius, G. (2015). *Change in the social life of urban public spaces: The rise of mobile phones and women, and the decline of aloneness over 30 years*. *Urban Studies Journal*, 52(8): 1489-1504.

- Hatefi shojae, Somayah, Islami, Seyed Gholamreza, Rezaei, Mahmud. (2020). *Role of local and urban textures in promoting social interactions of residents and emphasizing living centers theory of Christopher Alexander*, *Frontiers of Architectural Research*.

- Jacobs, Jane, (1961), *The Death and Life of Great American Cities*, published in New York by Random House Inc, The United States Of America.

- Jaecheol Kim and Seungnam Kim, (2019), *Finding the Optimal D/H Ratio for an Enclosed Urban Square: Testing an Urban Design Principle Using Immersive Virtual Reality Simulation Techniques*, *International Journal of Environmental Research and Public Health*, 16, 865, www.mdpi.com/journal/ijerph.

- Jaecheol Kim, (2017), *Comparing the Influences of the D/H Ratio, Size, and Facade Design of an Enclosed Square on Its Perceptual Qualities as a Sustainable Urban Space in South Korea*, *Sustainability* 2017, 9, 675, www.mdpi.com/journal/sustainability.

- Kurniaty, R. (2014). *Local Elites and Public Space Sustainability: the local elite roles in the presence and usage of public space in Malang Raya, Indonesia*. *Environmental Sciences*. 20, 506-515.

- Madanipour, A. (2012). *Challenges in the Co-production of Urban Spaces in National and International Context*, *Planning Theory and Urban Development*, Faculty of Architecture, RWTH Aachen University.

- Mahmoudi Farahani, L & Lozanovska, M. (2015). *The social life of historical neighbourhoods: case study of a Middle Eastern city, Shiraz*. *Journal of Architecture and Urbanism*, 39(3): 176-187.

- Mitcherlich, A. (1969). *Die Unwirtlichkeit Unserer Stadte; Anstiftung Zum Unfrieden*, Edition Suhrkampverlag, Frankfurt.

- Moughtin, Cliff, (1999), *URBAN DESIGN: ORNAMENT AND DECORATION*, second edition, Architectural Press, Linacre House, Jordan

- علوی نسب اشکذری، فاطمه سادات؛ بوداقپور، سیامک؛ صابر نژاد، ژاله. (۱۳۹۸)، *تیین شاخصه‌ها و مؤلفه‌های اجتماع پذیری فضاهای اجتماعی در شهر تهران* (نمونه موردی مجموعه‌های اجتماعی و عمومی اراضی عباس‌آباد)، فصلنامه علمی و پژوهشی نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، سال دوازدهم، شماره اول، صص ۳۴۴-۳۲۵.

- کارمونا، متیو؛ هیت، تیم؛ تیسدل تنراک و استیون. (۱۳۹۴)، *مکان‌های عمومی فضاهای شهری* (ابعاد گوناگون طراحی شهری)، مترجمان: قرائی، فریبا؛ شکوهی، مهشید؛ اهری، زهرا؛ صالحی، اسماعیل، چاپ سوم، انتشارات دانشگاه هنر، تهران.

- کلانتری، سارا. (۱۳۸۹)، *ارزیابی اثرات اجتماعات محصور بر پایداری شهری* (نمونه موردی شهرک دریاکنار شهر بابلسر)، نخستین همایش توسعه شهری پایدار، تهران.

- گل، یان. (۱۳۹۱)، *فضاهای عمومی و زندگی جمعی*، ترجمه: غفاری، علی و سهیلی پور، صادق، چاپ اول، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران.

- لاوسون، برایان. (۱۳۹۱)، *زبان فضا*، ترجمه: عینی فر، علیرضا و کریمیان، فؤاد، چاپ اول، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.

- لنگ، جان. (۱۳۹۰)، *آفرینش نظریه معماری* (نقش علوم رفتاری در طراحی محیط)، ترجمه: عینی فر، علیرضا، چاپ پنجم، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.

- مظفر، فرهنگ؛ مسعود، محمد؛ راست بین، ساجد. (۱۳۹۱)، *ارزیابی تأثیرات کیفیت‌های شهری در میزان شاخص سرمایه اجتماعی در بافت‌های تاریخی* (مطالعه موردی: محله جلفای اصفهان)، *نشریه مرمت و معماری ایران* (مرمت آثار و بافت‌های تاریخی فرهنگی)، سال ۲، شماره ۴، صص ۴۶-۲۹.

- مهدب طلاب، محمد. (۱۳۸۵)، *بازیابی فضاهای پنهان شهری* (فضاهای در حال انتظار)، همایش شهر برتر، طرح برتر، همدان.

- Alkhrshesh, Majdi M. (2007), *ENCLOSURE AS A FUNCTION OF HEIGHT-TO-WIDTH RATIO AND SCALE: ITS INFLUENCE ON USER'S SENSE OF COMFORT AND SAFETY IN URBAN STREET SPACE*, UNIVERSITY OF FLORIDA.

- Askari, Amir Hossein, 2014, *thesis Assessment Of Urban Public Spaces: Cases Of Kuala Lumpur City Center*, p 3.

- Biddulph, Mike, (2007), *INTRODUCTION TO RESIDENTIAL LAYOUT*, Published by Elsevier Limited, First edition.

- Caoa, Jingwen, Kang, Jian (2019). *Social*

Hill, Oxford OX2 8DP.

- Muruani, T., Amite-Cohen, I. (2007)," Open space planning models: a review of approaches and methods", Landscape and urban planning, 81: 1-13.
- Naghiloo F, Falahat MS (2016). The Effect of environmental factors on sociopetality of urban spaces, European Online Journal of Natural and Social Sciences, Vol. 5, No. 4, pp. 1111-1129.
- Orum, M. A. (2010). Introduction. In Orum, M. A. and Neal, P. Z. eds. Common Ground? Reading and Reflections on Public Space. New York:Taylor and Francis, 13 – 17.
- Osmond, Humphry. (1957). Function as the Basis of Psychiatric Ward Design. Psychiatric Services V 8(4), 23.
- Remesar, A. (2005). Urban Regeneration. A Challenge for public Art. Barcelona: University of Barcelona.
- Shaftoe, Henry(2008), Convivial Urban Spaces(Creating Effective Public Places), First published by Earthscan in the UK and USA.
- Tibbalds,Francis,(1992), MAKING PEOPLE-FRIENDLY TOWNS , Improving the public environment in towns and cities, First published 1992 by Longman Group UK, Ltd.
- White ,William H, (1980), The Social Life of Small Urban Spaces,www.pps.org.
- Zucker, Paul(1970). Town and Square, from the Agora to the Village Green, the MIT Press, Massachusetts.
- <https://doi.org/10.22034/40.173.33>